



## اصول و مبانی تأویل حدیث در اندیشه شهید صدر؛ تحلیل و ارزیابی

مهرناز گلی الف و جمیله افروشته\* ب و الهه گلی ج

الف. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات، گروه علوم قرآن و حدیث، ایران؛

goli\_m@theo.usb.ac.ir

ب. استاد مدعو دانشگاه سیستان و بلوچستان ایران؛ g.afroushte@gmail.com

ج. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور؛ واحد تفت ایران؛ goli110@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
پژوهش حاضر به تبیین معنای تأویل حدیث در اندیشه آیت‌الله شهید محمدباقر صدر و بازسازی مبانی نظری و عملی آن می‌پردازد و می‌کوشد نسبت تأویل را با مفاهیم هم‌سو، از جمله بطون‌نگری، تفسیر ادبی، جمع میان اخبار و شیوه‌های حل تعارض روایات، روشن سازد. پرسش اصلی این است که تأویل در دستگاه فکری صدر چه جایگاهی دارد و بر چه مبانی معرفت‌شناختی، دلالتی و نقلی استوار است. فرضیه پژوهش آن است که تأویل نزد صدر فرایندی عقلانی و ضابطه‌مند در چارچوب «اجتهاد در نص» به‌شمار می‌رود که تنها پس از تثبیت مدلول استعمالی و در صورت سقوط ظهور به سبب قرینه یا دلیل قطعی، همچون حکم عقل قطعی، دلالت قطعی قرآن، سیاق و غرض تشریحی و مقاصد شریعت، موجه می‌گردد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای متنی و مطالعه تطبیقی نمونه‌های کاربردی در آثار اصولی و تفسیری صدر است. یافته‌ها نشان می‌دهد تأویل در نگاه او نه خروج بی‌ضابطه از ظاهر و نه تفسیر به رأی، بلکه عبور روشمند از مدلول استعمالی به مدلول جدی و	تأویل حدیث، شهید محمدباقر صدر، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی دلالتی، فقه‌الحدیث نوین تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ مقاله علمی پژوهشی

\* نویسنده مسئول.

آدرس پست الکترونیک: g.afroushte@gmail.com

مقصودی شارع است که از طریق فهم شبکه‌ای نصوص، تحلیل سیاق تشریحی و سنجش هماهنگی با ساختار کلان شریعت سامان می‌یابد. همچنین بازسازی الگوی عملی صدر نشان می‌دهد این فرایند در پنج مرحله، از تثبیت ظهور تا تعیین مدلول نهایی، قابل صورت‌بندی است. بدین‌سان، تأویل در منظومه فکری صدر بخشی بنیادین از فرآیند استنباط و سامان‌دهی نسبت عقل و نقل در فهم روایات به‌شمار می‌آید.

### مقدمه

مفهوم تأویل در مطالعات فقه‌الحدیثی امامیه از مهم‌ترین مباحث دلالتی به‌شمار می‌آید؛ به‌ویژه در جایی که مدلول ظاهری روایت، به‌سبب تعارض با دلیل قطعی عقلی یا نقلی، از قابلیت حمل بر مراد حقیقی معصوم خارج می‌شود و نیازمند بازسازی معنایی در سطحی فراتر از مدلول استعمالی می‌گردد. این فرایند که در اصول فقه با عنوان «انتقال از مدلول استعمالی به مدلول جدی» شناخته می‌شود، بنیان بسیاری از فرایندهای استنباط دلالتی در سنت اصولی شیعه را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

با وجود اهمیت این بحث، مبانی تأویل در آثار آیت‌الله محمدباقر صدر - به‌عنوان یکی از نوآوران رویکرد عقلانی و دلالت‌محور در فهم نص - کمتر به‌صورت مستقل و منقح بررسی شده است. صدر در آثار اصولی و تفسیری خود، از جمله الحلقة الثالثة و المدرسة القرآنية، تأکید می‌کند که ظهور لفظی هرچند حجیت ابتدایی دارد، اما حجیت نهایی آن وابسته به نبود قرینه قطعی است؛ زیرا معنای نص تنها در سطح وضع لغوی شکل نمی‌گیرد، بلکه در شبکه‌ای از دلالت‌های عقلی، سیاقی، مقاصدی و روایی به‌دست می‌آید.<sup>۲</sup>

بر اساس این مبانی، تأویل در نظریه صدر نه به‌معنای کنار گذاشتن ظاهر و نه به‌عنوان تفسیر ذوقی، بلکه فرایندی روشمند برای کشف مراد حقیقی معصوم در مواردی است که ظهور از نظر دلالتی سقوط کرده و معنا در پرتو دلیل قطعی آشکار می‌شود.<sup>۳</sup> اما این نظریه نیاز به نقد و ارزیابی بیشتر دارد تا مشخص شود

۱. آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۴۵.

۲. الأسس المنطقية للاستقراء، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۳.

۳. المدرسة القرآنية، ص ۲۴۶.

که اصول دلالتی مورد استفاده صدر در عمل و در مواجهه با متون مختلف قرآن و حدیث چگونه از تفسیرهای ساده‌تر به تأویل پیچیده‌تر منتقل می‌شود.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که مبانی تأویل در نظریه فقه‌الحدیثی صدر چیست و این مبانی چگونه فرایند فهم روایت را از مرحله ظهور ابتدایی تا رسیدن به مراد نهایی سامان می‌دهد. برای پاسخ به این پرسش، ابتدا چیستی تأویل و تمایز آن با تفسیر حدیث در چارچوب اصول فقه امامیه تبیین می‌شود تا حدود نظری تأویل روشن گردد. سپس مفهوم تأویل در نگاه صدر بر اساس آثار اصولی و تحلیلی او استخراج خواهد شد. در ادامه، مبانی اصلی تأویل از جمله نقش عقل قطعی، جایگاه ظهور، کارکرد سیاق، شبکه روایات و معیارهای مقاصدی بازسازی می‌گردد. در نهایت، با روش تحلیلی و انتقادی، ظرفیت‌ها، چالش‌ها و پیامدهای این نظریه بررسی می‌شود تا فرضیه اصلی پژوهش در خصوص ماهیت عقلانی و دلالت‌محور تأویل در اندیشه صدر به‌طور دقیق آزموده شود.

**پیشینه:** پژوهش‌های مربوط به اندیشه شهید صدر از دهه ۱۳۴۰ق آغاز می‌شود؛ دورانی که مباحث اصول فقه، حجیت ظهور، قطع و ظن و نقد سند، محور اصلی آثار اصولیان و رجال‌پژوهان بود. در این نوشته‌ها، مانند آثار خوبی (۱۴۰۳ق) و انصاری (۱۴۱۵ق)، مدلول استعمالی و مدلول جدی، حجیت ظهور و قواعد محاوره بررسی شده، اما هیچ‌یک تأویل را در فقه‌الحدیث به‌عنوان یک فرایند مستقل مطرح نکرده‌اند. نوآوری‌هایی که بعدها در نقد سند یا بازخوانی وثاقت راویان شکل گرفت، مانند بحث «تعویض اسناد» در آثار عمیدی (۱۳۸۵ش) و حکیم (۱۴۰۳ق)، نیز عمدتاً به حوزه رجال تعلق داشت و با نظریه تأویل نسبت مستقیمی برقرار نمی‌کرد.

از دهه ۱۹۷۰م، با انتشار الأسس المنطقية للاستقراء و المدرسة القرآنية، توجه به مباحث دلالت، استنطاق نص و روش تفسیر شهید صدر افزایش یافت، اما تمرکز این آثار همچنان معطوف به اصول فقه، منطقة الفراغ یا اجتهاد اجتماعی بود و مسئله کلیدی چگونگی عبور صدر از مدلول استعمالی به مدلول مقصدی و سامان‌دهی تأویل در نظام دلالت حدیثی، بررسی نشده است. پژوهش‌هایی چون نوشته‌های محمدی‌فر (۱۳۹۵ش) و کرامتی‌نیا (۱۴۰۱ش) در باب منطقة الفراغ، یا آثار رضوی (۱۴۰۲ش) و

اسدی مقدم (۱۴۰۱ش) درباره مبانی دلالت، هرچند بخشی از منظومه فکری صدر را روشن کرده‌اند، اما همچنان درباره تأویل به مثابه روشی مشخص در فهم روایت سکوت دارند.

در دو دهه اخیر نیز برخی مطالعات به ابعاد دیگری از اندیشه صدر پرداخته‌اند؛ از جمله سروش محلاتی (۱۴۰۲ش) و خیاط (۲۰۲۳م) که روش استنتاج و نسبت عقل و نص را بررسی کرده‌اند و نورائی و ناجی صدره (۱۴۰۳ش) که مباحث ظاهر و باطن و تأویل را در آراء علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی تحلیل کرده‌اند. با این حال، این آثار عمدتاً به حوزه قرآن و تفسیر متنی تعلق دارند و نظریه تأویل در فقه‌الحديث شهید صدر را موضوع مطالعه قرار نداده‌اند.

با مرور این جریان‌ها روشن می‌شود که با وجود پژوهش‌های قابل توجه درباره اصول، تفسیر و نظریه دلالت در اندیشه شهید صدر، تاکنون هیچ مطالعه‌ای نظریه تأویل او را در فقه‌الحديث به‌عنوان دستگاهی مستقل که سه سطح مبانی معرفت‌شناختی، مبانی دلالتی و زبان‌شناختی و مبانی روایی و نقلی را در کنار روش عملی او در مواجهه با حدیث گردآوری و تحلیل کند، بازسازی نکرده است. نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار با بهره‌گیری از آثار اصولی، تفسیری و فلسفی محمدباقر صدر، تصویری منسجم از نظام تأویلی او در فقه‌الحديث ارائه می‌دهد. در این دستگاه، عقل قطعی، سقوط ظهور، سیاق گسترده، تسبیق باطنی و مقاصد شریعت در کنار هم قرار گرفته و فرایند انتقال از مدلول استعمالی به مدلول مقصدی تبیین می‌شود. این رویکرد، علاوه بر تحلیل مبانی تأویل، به نقد و ارزیابی تطبیقی آن نیز می‌پردازد.

### الف. چارچوب نظری و مبانی مفهومی تأویل

پیش از ورود به مبانی فکری شهید محمدباقر صدر درباره تأویل، ضروری است مفهوم تأویل و جایگاه آن در منظومه فهم حدیث تبیین شود. از این‌رو، در این بخش نخست چستی تأویل و حدود آن در سنت حدیثی بررسی می‌شود و سپس دیدگاه شهید صدر در این باره توضیح داده می‌شود تا زمینه نظری لازم برای تبیین مبانی و اصول عملی او فراهم آید.

#### ۱. چستی تأویل و تمایز آن از تفسیر حدیث

بحث از تأویل بدون تفکیک آن از تفسیر، به خلط مفهومی و لغزش علمی می‌انجامد. در سنت فقه‌الحديثی امامیه، تفسیر حدیث ناظر به فهم مدلول استعمالی و ظهور ابتدایی الفاظ، بر اساس قواعد

عرفی محاوره، قرائن داخلی و سیاق گفتار است. در این مرحله، پژوهشگر می‌کوشد معنایی را که لفظ در وضع و عرف بر آن دلالت می‌کند، با توجه به روابط جمله، فضای صدور و قرائن معتبر استخراج کند.<sup>۱</sup> در مقابل، تأویل مرحله‌ای فراتر از تفسیر و ناظر به انتقال از مدلول استعمالی به مدلول جدی است. این مرحله تنها زمانی شکل می‌گیرد که ظهور ابتدایی روایت در برابر دلیلی قطعی اعتبار خود را از دست دهد. بر اساس مبانی اصولی امامیه، ظهور تا زمانی حجت است که معارض قطعی نداشته باشد؛ بنابراین تأویل نه به معنای کنار نهادن ظهور، بلکه انتقالی روشمند از مدلول استعمالی به مدلول مقصدی است. شهید صدر این قاعده را چنین خلاصه می‌کند: «الظهور حجة ما لم تقم قرينة قطعية على خلافه».<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، تفسیر بر کشف معنای ابتدایی و ظهور عرفی متمرکز است؛ اما تأویل هنگامی رخ می‌دهد که ظهور با دلیلی قطعی در تعارض قرار گیرد و معنای نهایی تنها در پرتو عقل قطعی، سیاق گسترده‌تر یا روح کلی شریعت قابل بازبایی باشد. در دستگاه فکری شهید صدر، تأویل فعالیت عقلانی، ضابطه‌مند و دلالت‌محور است و هیچ‌گونه نسبت یا شباهتی با تأویل‌های رمزی، باطنی یا ذوقی ندارد؛ بلکه اوج فرایند فهم حدیث، مبتنی بر قواعد اصولی و معیارهای معتبر دلالتی به‌شمار می‌رود.

## ۲. مفهوم تأویل در نگاه شهید صدر

شهید صدر تأویل را در چارچوب نظریه عام خود درباره فهم عقلانی نصوص دینی تحلیل می‌کند. از نظر او، فرایند فهم نص دو مرحله دارد: ۱. تثبیت ظهور لفظی؛ ۲. انتقال به مدلول جدی در صورت وجود قرینه قطعی.

از این رو، تأویل نه جایگزین تفسیر، بلکه امتداد منطقی و طبیعی آن است؛ زیرا بدون احراز ظهور، امکان تشخیص تعارض و ورود به مرحله تأویل وجود ندارد.

صدر تأکید می‌کند که هر انتقال از ظاهر به معنای دیگر تنها زمانی معتبر است که بر پایه دلیل قطعی باشد؛ در غیر این صورت، عدول از ظهور، بی‌ضابطه و غیرقابل قبول است. این اصل در آثار اصولی او،

۱. آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۴۵.

۲. دروس فی علم الأصول (الحلقة الثالثة)، ج ۱، ص ۲۲۸؛ نیز نک: الأسس المنطقية للاستقراء، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۳.

به‌ویژه در بحث‌های دلالتی، مورد تصریح قرار گرفته است.<sup>۱</sup> همچنین در آثار اصولی متقدم امامیه، این قاعده به‌عنوان معیار سنجش اعتبار تأویل یاد شده است.<sup>۲</sup>

صدر برای قرائنی که می‌توانند ظهور را اعتبارزدایی کنند، چهار محور اساسی معرفی می‌کند:

۱. عقل قطعی برهانی که بر هر ظهور ظنی مقدم است.
۲. قرآن و سیاق قطعی آیات که می‌تواند معنای روایت را بازسازی کند.
۳. مقاصد کلان شریعت، مانند عدالت و حکمت، که معیار اعتبار ظهورند.
۴. شبکه روایات هم‌غرض یا تنسیق باطنی نصوص که معنای روایت را در منظومه‌ای گسترده‌تر تعریف می‌کند.<sup>۳</sup>

صدر با تکیه بر مبانی اصولی، میان مدلول استعمالی و مدلول جدی تمایز می‌گذارد و تأویل را همین انتقال روشمند از یک سطح معنا به سطح دیگر می‌داند. او برخلاف گرایش‌های اشرافی، تأویل را کشف بطون نمی‌داند، بلکه فرایندی عقلانی برای بازسازی معنای روایت در پرتو قرائن قطعی و اصول معتبر شریعت معرفی می‌کند.<sup>۴</sup>

این نگاه نشان می‌دهد که تأویل فرایندی تکمیلی و عقلانی است که در آن پژوهشگر با حفظ حجیت ظهور، در مواجهه با قرینه قطعی به مراد واقعی معصوم دست می‌یابد. بنابراین تأویل نه نفی ظاهر است و نه تحمیل معنایی بیگانه بر نص، بلکه بازسازی علمی دلالت حدیث در افق عقل، سیاق و روح کلی دین به‌شمار می‌رود.

### جدول ۱. تفاوت تفسیر و تأویل در نظریه شهید صدر

برای رفع خلط میان تفسیر و تأویل در خوانش صدر، می‌توان تفاوت این دو را در جدول زیر نشان داد.

محور مقایسه	تأویل (کشف مدلول مقصدی)	تفسیر (فهم مدلول استعمالی)
موضوع	عبور روشمند از مدلول استعمالی به مدلول	کشف مدلول استعمالی لفظ بر اساس

۱. الدروس فی العلم الاصول حلقه الثالثة، ج ۱، ص ۲۲۸؛ الأسس المنطقية للاستقراء، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۳.

۲. فراندالأصول، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳. المدرسة القرآنية، ص ۸۸-۹۲.

۴. الأسس المنطقية للاستقراء، ص ۲۴۶.

محور مقایسه	تأویل (کشف مدلول مقصدی)	تفسیر (فهم مدلول استعمالی)
	جدی و مقصدی معصوم	وضع، قواعد محاوره و سیاق نزدیک
نقطه آغاز	پس از سقوط ظهور یا تعارض مدلول استعمالی با قرینه قطعی	ظاهر لفظ و ظهور ابتدایی
ابزار اصلی	عقل قطعی، مقاصد شریعت، سیاق کلان، قرائن منفصل (قرآن، سنت قطعی، عقل)	قواعد لغت، اصول محاوره، ترکیب نحوی، سیاق متن
نوع قرائن	قرائن قطعی منفصل: آیات برتر، روایات اقوی، اصول عقلی و مقصدی	قرائن متصل (نحو، ترکیب، ادوات، سیاق جمله)
نقش عقل	نقش محوری (معیار سقوط ظهور و بازسازی مدلول مقصدی)	نقش حداقلی (تأیید یا نفی ظهور)
شرط مشروعیت	وجود معارض قطعی با مدلول استعمالی یا عدم امکان حمل ظاهر	عدم وجود معارض قطعی
نوع دلالت	دلالت مقصدی (مراد حقیقی و غایی معصوم)	دلالت استعمالی (استعمال لفظ در معنای وضعی/عرفی)
نتیجه نهایی	معنایی فراتر از ظاهر که در شبکه عقل، سیاق و قرائن تثبیت می شود	ظهور نهایی سازگار با قواعد محاوره
جایگاه در فهم حدیث	بخش ثانوی فقه الحدیث؛ کشف «مراد نهایی»	بخش نخست فقه الحدیث؛ تثبیت «مدلول ظاهر»
خطر انحراف	تفسیر به رأی (در صورت نبود قرینه قطعی)	جمود بر ظاهر و سطحی نگری

بر اساس این جدول روشن می‌شود که شهید صدر تأویل را بخشی از روند طبیعی فهم حدیث نمی‌داند؛ بلکه آن را مرحله‌ای استثنایی می‌شمارد که تنها هنگامی رخ می‌دهد که مدلول استعمالی تثبیت شده با دلیل قطعی معارض باشد. به این ترتیب، بسیاری از مباحث مقاله - مانند ظهور، قرائن، سیاق و مدلول استعمالی - در قلمرو تفسیر قرار می‌گیرند و تأویل تنها در موارد محدود و با ضابطه‌های خاص فعال می‌شود.

### ۳. اصول تأویل در اندیشه شهید صدر

بر پایه دیدگاه صدر، تأویل تنها هنگامی معتبر است که بر مجموعه‌ای از اصول عملی استوار باشد؛ اصولی که شرایط عبور از مرحله تفسیر به مرحله تأویل را مشخص می‌کنند و فرایند انتقال از مدلول استعمالی به مدلول جدی را ضابطه‌مند می‌سازند.

نخستین اصل، تقدّم عقل قطعی بر ظهور ظنی است؛ هر ظهوری که با عقل برهانی ناسازگار باشد، به حکم قاعده «الظهور حجة ما لم تقم قرينة قطعية علی خلافه»<sup>۱</sup> اعتبار خود را از دست می‌دهد و تأویل ضرورت می‌یابد.

اصل دوم، تفکیک میان مدلول استعمالی و مدلول جدی است؛ زیرا معنا در نصوص دینی یک‌لایه نیست و تأویل دقیقاً به معنای گذار علمی از سطح استعمالی به سطح مقصدی است.

اصل سوم، تسبیق باطنی نصوص است؛ یعنی فهم یک روایت در شبکه‌ای از روایات هم‌غرض و هم‌ساخت معنا می‌یابد. صدر در المدرسة القرآنية توضیح می‌دهد که معنای بسیاری از نصوص تنها در هم‌نشینی با دیگر روایات روشن می‌شود و روایت منفرد ممکن است ظاهری القا کند که با اصول دین یا روایات معتبر دیگر سازگار نباشد.<sup>۲</sup>

اصل چهارم، مبنای مقصدگرایی است؛ بدین معنا که هر ظهوری که با عدالت، حکمت یا غایت تشریح ناسازگار باشد، نمی‌تواند مراد نهایی معصوم باشد و باید تأویل شود.<sup>۳</sup>

این اصول نه تنها قواعد اجرایی تأویل‌اند، بلکه مرز دقیق میان تفسیر و تأویل را نیز روشن می‌کنند و چارچوب نظری فهم مقصدی نصوص را در اندیشه صدر سامان می‌دهند.

۱. دروس فی علم الأصول (الحلقة الثالثة)، ج ۱، ص ۲۲۹ تا ۲۳۰.

۲. المدرسة القرآنية، ص ۸۸ تا ۹۲.

۳. همان، ص ۹۰.

#### ۴. مرزبندی میان مبانی تفسیر و مبانی تأویل

در دستگاه فقه‌الحدیثی شهید صدر، فهم حدیث دارای دو مرتبه است: نخست مرحله تفسیر که در آن مدلول استعمالی تثبیت می‌شود و سپس مرحله تأویل که در آن مدلول جدی کشف می‌گردد. مبانی فهم متن - مانند حجیت ظهور، قواعد وضع و استعمال، عرف محاوره و سیاق ابتدایی - مربوط به مرحله تفسیر و کشف معنای نخستین‌اند.<sup>۱</sup> اما مبانی تأویل، اصولی هستند که ناظر به سقوط ظهور و تشخیص مراد نهایی روایت‌اند؛ اصولی که تنها در صورت تعارض ظهور با عقل قطعی، قرآن یا مقاصد شریعت فعال می‌شوند.

صدر در آثار خود بارها تصریح می‌کند که این مبانی، مبانی عام فهم متن نیستند، بلکه مبانی ویژه مرحله تأویل به‌شمار می‌روند و تنها هنگامی به‌کار می‌آیند که مدلول استعمالی با دلیل قطعی ناسازگار شود.<sup>۲</sup> این مرزبندی دقیق، اشکال داور مبنی بر خلط میان تفسیر و تأویل را برطرف می‌کند و نظریه صدر را در جایگاه حقیقی خود - یعنی نظریه‌ای عقلانی، منسجم و مقصدگرا - نشان می‌دهد.

#### ۵. مبانی نقلی در فهم انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی در اندیشه شهید صدر

در دستگاه فقه‌الحدیثی شهید صدر، انتقال از ظهور ابتدایی حدیث به مدلول نهایی، تنها با تکیه بر ذوق یا برداشت‌های شخصی صورت نمی‌گیرد، بلکه بر مجموعه‌ای از مبانی نقلی استوار است که جهت و مرز این انتقال را مشخص می‌سازد. صدر در آثار اصولی و تفسیری خود، به‌ویژه در الحلقة الثالثة من دروس فی علم الأصول و المدرسة القرآنية، بارها تأکید می‌کند که سنت معصومان در امتداد قرآن و هم‌سنخ با آن است؛ از این‌رو، همان‌گونه که قرآن دارای مراتب ظاهر و باطن، محکم و متشابه و تنزیل و تأویل است، روایات نیز از چندلایگی دلالی برخوردارند، اما این چندلایگی تنها در چارچوب نصوص و قرائن معتبر پذیرفتنی است.<sup>۳</sup> در این بخش، سه مبنای نقلی اصلی در اندیشه او که پشتوانه نظری انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی را شکل می‌دهند، توضیح داده می‌شود.

۱. فرائد الأصول، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. دروس فی علم الأصول (الحلقة الثالثة)، ج ۱، ص ۲۲۹ تا ۲۳۰.

۳. المدرسة القرآنية، ص ۸۸ تا ۹۲.

۴. الدروس فی العلم الاصول حلقة الثالثة، ۱۳۴۰ش، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۳۰.

### ۵/۱. قرآن: معیار برتر و افق معنایی روایات

شهید صدر قرآن را نصّ اعلی و مرجع نهایی در فهم سنت می‌داند. بر اساس روایات عرض حدیث بر کتاب، هر مدلول روایی که با قرآن قطعی ناسازگار باشد، صلاحیت خود را برای حمل بر مراد جدی از دست می‌دهد و در نتیجه، یا باید کنار گذاشته شود یا در پرتو قرینه قرآنی تأویل گردد. او در المدرسة القرآنیة تصریح می‌کند که هیچ نظام حدیثی مستقل از قرآن شکل نمی‌گیرد و سنت معتبر، یا شرح و بسط مفهومی قرآن است یا تطبیق آن بر مصادیق تاریخی و اجتماعی.<sup>۲</sup> از این رو، قرآن دو نقش اساسی در فرایند انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی دارد: از یک سو، حدّ نصّی است که روایات نمی‌توانند از آن عبور کنند و از سوی دیگر، افق معنایی است که معناهای روایی در درون آن بازخوانی و بازسازی می‌شوند.

به‌عنوان نمونه، در تحلیل روایات مربوط به جبر و تفویض، صدر ابتدا نظام قرآنی علیت و مسئولیت انسان را در پرتو آیات «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ» و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» بازسازی می‌کند و سپس حدیث «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ» را در درون همین افق قرآنی تأویل می‌نماید؛ بدین معنا که مدلول نهایی روایت، نه نفی اختیار و نه نفی فاعلیت خدا، بلکه اثبات نظام طولی علل است که در آن اراده انسان در طول اراده الهی قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup>

این نمونه به‌روشنی نشان می‌دهد که از دیدگاه صدر، قرآن مهم‌ترین مبنای نقلی برای مشروعیت‌بخشی به عبور از ظهور ابتدایی و رسیدن به معنای مقصدی است.

### ۵/۲. سنت نبوی و علوی و روایات اهل‌بیت(ع)

مبنای دوم در منظومه شهید صدر، جایگاه خود سنت به‌عنوان شبکه‌ای درهم‌تنیده از نصوص است. او در مباحث اصولی خود، سنت را در کنار قرآن، منبع کشف حکم و معنا می‌داند، اما تأکید می‌کند که روایات به‌صورت گسیخته و منفرد فهم نمی‌شوند، بلکه در قالب شبکه‌ای از نصوص

۱. المدرسة القرآنیة، ص ۸۸-۹۲.

۲. همان.

۳. الأسس المنطقية للاستقراء، ص ۲۴۴-۲۴۶.

۴. بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۳.

هم موضوع معنا پیدا می‌کنند.<sup>۱</sup> این نگاه شبکه‌ای، پشتوانه همان قاعده‌ای است که در بخش مبانی عقلی با عنوان «تنسیق باطنی نصوص» از آن یاد شد، اما ریشه آن کاملاً نقلی است؛ زیرا بر روایات متعددی استوار است که اهل بیت را عدیل قرآن و سخن آنان را در امتداد سخن وحی معرفی می‌کنند. بر اساس حدیث ثقلین و روایات «عَلَيْنَا إِيْقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّقْرِيعُ»، شهید صدر معتقد است که گفتار معصوم، طبقات مختلفی از بیان دارد: گاه اصل قاعده کلی را القا می‌کند، گاه تطبیق جزئی را و گاه تأویل و تعمیق معنای سابق را. در این چارچوب، هر حدیثی که موضوعی عقیدتی یا اجتماعی را طرح می‌کند، باید در شبکه‌ای از نصوص هم‌غرض قرار گیرد تا مدلول نهایی آن آشکار شود؛ در غیر این صورت، تمسک به ظهور ابتدایی، نوعی سطحی‌نگری در سنت به‌شمار می‌آید.

او در تحلیل روایات مربوط به قضا و قدر، نشان می‌دهد که برداشت‌های ظاهرگرایانه از برخی تعبیر روایی - اگر به تنهایی و بدون جمع با دیگر نصوص خوانده شوند - به نتایج جبری می‌انجامند، در حالی که جمع شبکه‌ای روایات، به‌ویژه در پرتو احادیثی که مسئولیت انسان و نقش اراده او را برجسته می‌کنند، مدلول جدی دیگری را قصد کرده است.<sup>۲</sup> در اینجا، مبناى نقلی «کلام واحد بودن سنت» به‌صورت مستقیم، امکان انتقال از ظهور نخستین به ظهور نهایی را توجیه می‌کند.

### ۵.۳. قاعده عرض سنت بر سنت و مرزگذاری با تأویل ذوقی

مبنای نقلی سوم در اندیشه شهید صدر، مجموعه روایاتی است که از یک‌سو سنت را در کنار قرآن، معیار تشخیص حق و باطل می‌دانند و از سوی دیگر، هر قرائتی را که با این دو ثقل ناسازگار باشد، مردود می‌شمارند. صدر در مباحث حجیت خبر واحد و در تحلیل تعارض ادله، توضیح می‌دهد که روایات مفسر و مبین، نسبت به روایات مجمل و متشابه، در حکم نص هستند و می‌توانند ظهور ابتدایی دسته دوم را محدود یا مقید کنند.<sup>۴</sup> این قاعده که ریشه در عمل ائمه دارد، مبنای نقلی مهمی در پذیرش سقوط ظهور و

۱. الدروس فی العلم الاصول حلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۳۰.

۲. الأسس المنطقية، ص ۲۴۴-۲۴۶.

۳. اقتصادنا، مقدمه، ص ۳۱-۳۵.

۴. الدروس فی علم الاصول الحلقة الثالثة، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۶۰.

لزوم تأویل است: هر جا حدیثی، به ظاهر، مفادی برخلاف اصول قطعی دینی یا روایات محکم ارائه کند، باید در پرتو سنت محکم‌تر بازخوانی شود و در صورت لزوم، ظهور ابتدایی آن کنار گذاشته شود. به همین دلیل، شهید صدر تأویل روایی را فقط هنگامی مجاز می‌شمارد که یا آیه‌ای قطعی‌الدلالة، یا حدیثی محکم و یا مجموعه‌ای از نصوص هم‌افق، ظهور ابتدایی را فاقد صلاحیت نشان دهند. او به‌صراحت می‌نویسد: «الانتقال إلى المعنى البعيد لا یصح ما لم یقم دلیل قطعی علی سقوط الظهور الأولی» و هر نوع فراتر رفتن از این حد، داخل در تفسیر به رأی و مردود است.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب، مبانی نقلی صدر نه تنها چندلایگی معنا در سنت را توجیه می‌کنند، بلکه مسیر مشروع انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی را نیز مشخص می‌سازند؛ مسیری که در آن، حفظ ظاهر حدیث تا حد امکان اصل است و عبور از آن فقط در پرتو قرآن، روایات محکم و شبکه نصوص معتبر روا شمرده می‌شود.

### ب. مبانی تأویل در اندیشه شهید صدر

مبانی تأویل در منظومه فکری شهید محمدباقر صدر مجموعه‌ای هم‌بسته از اصول معرفت‌شناختی و قواعد دلالی است که فرایند عبور از مدلول استعمالی به مدلول جدی را سامان می‌دهد. صدر تأکید دارد که تأویل نه نفی ظهور، بلکه تکمیل آن و کشف مراد حقیقی معصوم است. بر همین اساس، تأویل تنها پس از تثبیت ظهور ابتدایی و در صورت وجود دلیل قطعی معتبر معنا پیدا می‌کند. این چارچوب، تأویل را از برداشت‌های ذوقی و سلیقه‌ای جدا کرده و در جایگاه یک روش علمی قرار می‌دهد. همین مبانی است که امکان می‌دهد روایت از سطح ظاهر فراتر رود و در پرتو عقل قطعی، شبکه نصوص و مقاصد شریعت معنا یابد.

#### ۱. مبانی عقل قطعی

در اندیشه صدر، عقل قطعی نخستین و بنیادی‌ترین معیار برای تشخیص موارد مجاز تأویل است. وی با استناد به مبانی مشهور اصولی «الظهور حجة ما لم تقم قرینة قطعية علی خلافه» تصریح می‌کند که هر ظهوری تا زمانی حجت است که با عقل برهانی معارض نباشد.<sup>۲</sup> هنگامی که مدلول ابتدایی روایت با ضرورتی عقلی ناسازگار شود - مانند مخالفت با اصل توحید، عدالت یا حکمت - ظهور، صلاحیت حمل

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. دروس فی علم الاصول الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۰.

بر مراد جدی را از دست می‌دهد. از نظر صدر، عقل نه تنها ابزار فهم، بلکه مرجع تشخیص ضرورت تأویل است؛ زیرا عقل حجت باطنی و معیار کشف ناسازگاری مدلول استعمالی با اصول قطعی دین به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، عقل قطعی در دستگاه صدر، راهنمای اصلی برای عبور از ظاهر و رسیدن به معنای مقصدی است.

تأمل در آثار اصولی و تفسیری شهید سید محمدباقر صدر نشان می‌دهد که وی تأویل را نه در معنای ادبی یا ذوقی، بلکه در معنای دقیق اصولی آن - یعنی انتقال از مدلول استعمالی به مدلول جدی با تکیه بر قرینه قطعی - به‌کار می‌گیرد. صدر در الحلقة الثالثة به‌صراحت توضیح می‌دهد که نص دینی صرفاً مجموعه‌ای از الفاظ نیست، بلکه ساختاری چندلایه دارد و مدلول آن تنها در سطح استعمالی منحصر نمی‌ماند؛ زیرا «النصّ الدینی لیس مجرد استعمال لغوی بل یحمل شبکه من الدلالات ترتبط بالسیاق التشریعی و غرض المتکلم».<sup>۱</sup> این عبارت تصویر روشنی از نگاه صدر به دست می‌دهد که نص، حامل شبکه‌ای از دلالات است و غرض تشریحی متکلم در تعیین معنای نهایی نقشی محوری ایفا می‌کند.

وی در ادامه همین بحث، تمایز دقیق میان مدلول استعمالی و مدلول جدی را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که تأویل در دستگاه معرفتی او، همان عبور روشمند و مستند از ظاهر لفظ به مراد واقعی شارع است. او می‌نویسد: «قَدْ یَكُونُ مَدْلُولُ اللَّفْظِ اسْتِعْمَالِيًّا شَيْئًا وَلَكِنَّ مَدْلُولَهُ الْجَدِيَّ شَيْءٌ آخَرَ يُحَدِّدُهُ الْعَقْلُ أَوْ الْغَرَضُ التَّشْرِيعیُّ».<sup>۲</sup> این جمله تأکید می‌کند که مراد جدی همیشه از ظاهر لفظ قابل استنباط نیست و عقل قطعی یا غرض تشریحی می‌تواند معنایی عمیق‌تر را آشکار سازد. بر اساس همین مبنا، صدر قاعده سقوط ظهور را نیز توضیح می‌دهد و می‌گوید ظهور حجت است مگر آنکه قرینه قطعی برخلاف آن وجود داشته باشد: «الظهور حجةٌ ما لم تقم قرينة قطعية على خلافه».<sup>۳</sup> روشن است که از منظر صدر، تأویل تنها زمانی مجاز است که ظهور به سبب قرائن معتبر عقلی یا نقلی سقوط کرده باشد، نه در غیر این صورت.

۱. الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. همان، ص ۲۳۰.

۳. همان.

صدر در آثار تفسیری خود، مبنای دیگری را نیز در تعیین معنای نهایی نص بیان می‌کند که نقش مهمی در فهم لایه‌های عمیق‌تر روایات دارد. وی در المدرسة القرآنية تصریح می‌کند که نصوص دینی را نمی‌توان به صورت منفرد فهمید و هر متن تنها در نظام ارتباطی خود معنا می‌دهد: «لَا يُمَكِّنُ فَهْمُ النَّصِّ إِلَّا مِنْ خِلَالِ شَبَكَةِ النَّصُوصِ فَإِنَّ بَعْضَهَا يُفَسِّرُ بَعْضًا».<sup>۱</sup> این اصل نشان می‌دهد که صدر نگاه شبکه‌گرا به دلالت دارد و معنا را نتیجه تعامل میان نصوص هم‌سنخ می‌داند. همین نگاه اوست که فهم روایت را نیز از حالت فردی بیرون می‌برد و در منظومه‌ای گسترده‌تر از آیات و احادیث قرار می‌دهد.

ایده هماهنگی قرآن و سنت نیز در تفسیر موضوعی صدر از بنیادهای فهم باطنی محسوب می‌شود. وی در التفسیر الموضوعی به صراحت بیان می‌کند که روایات اهل بیت کلید فهم بطون قرآن‌اند: «روایات اهل بیت مفتاح لفهم بطون القرآن».<sup>۲</sup> روشن است که اگر روایات کلید فهم بطون قرآن باشند، خود روایت نیز باید برخوردار از لایه‌های معنایی باشد وگرنه نمی‌تواند کلید فهم لایه‌های عمیق‌تر متن الهی قرار گیرد. این نکته نشان می‌دهد که چندلایگی معنا در نگاه صدر، تنها ویژگی قرآن نیست، بلکه در سنت نیز حضور دارد و همین امر تأویل را در حوزه حدیث ضروری می‌سازد.

صدر در الأسس المنطقية للاستقراء نیز بر نقش عقل قطعی در تعیین مدلول جدی نص تأکید کرده است: «لا يمكن قبول مدلول نصّ يخالف البرهان فإن العقل يقدم في مواطن التعارض».<sup>۳</sup> این عبارت بیان می‌کند که عقل قطعی نه تنها می‌تواند ظهور را کنار بزند، بلکه در صورت تعارض، معیار نهایی تعیین معناست. وی در اقتصادنا توضیح می‌دهد که غرض تشریحی شارع نیز می‌تواند ظهور را تحت تأثیر قرار دهد: «غرض المتكلم التشريعي يحكم على الدلالة الظاهرة عند التعارض».<sup>۴</sup> بدین ترتیب، اگر ظاهر با هدف تشریح ناسازگار باشد، مدلول جدی از راه تحلیل غایت تشریحی به دست می‌آید.

لذا در نظریه شهید صدر، تأویل نه از سنخ تفسیر به رأی است و نه مستلزم کنار گذاشتن ظاهر، بلکه انتقالی منضبط و استدلالی از سطح مدلول استعمالی به سطح مدلول جدی است که بر سه رکن استوار است: عقل قطعی، غرض تشریحی و شبکه نصوص هم‌افق. این سه رکن، تأویل را در دستگاه صدر از

۱. المدرسة القرآنية، ص ۸۸.

۲. التفسیر الموضوعی، ص ۴۳.

۳. الأسس المنطقية، ص ۹۴.

۴. اقتصادنا، ص ۵۷.

هرگونه برداشت ذوقی یا ادبی متمایز می‌سازند و آن را به یکی از بنیان‌های روشی فهم نص در اندیشه او تبدیل می‌کنند.

## ۲. مبناى سقوط ظهور

مبنای دوم در نظریه شهید صدر، قاعده «سقوط ظهور» است؛ قاعده‌ای که نقش دروازه تأویل را ایفا می‌کند و دقیقاً تعیین می‌کند که چه زمانی مفسر اجازه دارد از مدلول استعمالی لفظ عبور کرده و به مدلول جدی برسد. صدر در الحلقة الثالثة به‌صراحت می‌گوید: «الظهور حجة ما لم تقم قرينة قطعية على خلافه»<sup>۱</sup>. بدین معنا، تا زمانی که ظهور لفظی بر اساس وضع لغوی، عرف و قرائن سیاقی استقرار دارد، مفسر هیچ‌گونه مجوزی برای تأویل ندارد؛ و تنها هنگامی که قرینه‌ای قطعی بر خلاف ظهور یافت شود، ظهور ساقط می‌گردد و انتقال به معنای نهایی ممکن می‌شود.

از نگاه صدر، ظهور در چهار حالت سقوط می‌کند: نخست، زمانی که مدلول ظاهری با عقل قطعی تعارض داشته باشد؛ دوم، در صورت ناسازگاری با نصوص قرآنی قطعی و سیاق روشن آیات؛ سوم، وقتی ظاهر لفظ با روح تشریح و غرض شارع و مقاصد شریعت بی‌تناسب باشد؛ و چهارم، اگر مدلول ظاهری در تعارض جدی با شبکه روایات معتبر و نظام منسجم بیانی اهل‌بیت قرار گیرد.<sup>۲</sup> این موارد چهارگانه نشان می‌دهد که سقوط ظهور، امری بی‌قاعده یا ذوقی نیست، بلکه تابع قواعدی روشن و قابل کنترل است.

بر اساس این مبنا، تأویل در اندیشه صدر نه روشی آزاد و همیشگی، بلکه مرحله‌ای استثنایی، مشروط و ثانوی است؛ مرحله‌ای که تنها پس از اثبات سقوط ظهور و با تکیه بر قرائن قطعی عقلی و نقلی مجاز می‌شود. بنابراین، تأویل از منظر صدر، جایگزین ظاهر نیست، بلکه راهی روشمند برای کشف «مدلول جدی» پس از کنار رفتن «مدلول استعمالی» است؛ و همین امر تأویل را در دستگاه صدر از هرگونه تفسیر به رأی، ذوق‌گرایی یا معنابرداری ادبی متمایز می‌سازد.

۱. الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. همان.

۳. المدرسة القرآنية، ص ۸۸-۹۲.

### ۳. مبنای سیاق گسترده

سیاق در نظریه شهید صدر مفهومی صرفاً زبانی نیست، بلکه شبکه‌ای چندلایه از عناصر تشریحی، معرفتی و غرضی است که مراد جدی متکلم را شکل می‌دهد. او در الحلقة الثالثة به صراحت می‌گوید: «النصّ الدینی لیس مجرد استعمال لغوی، بل یحمل شبکه من الدلالات ترتبط بالسیاق التشریحی و غرض المتکلم»<sup>۱</sup>. این تصریح نشان می‌دهد که صدر مدلول حدیث را نه تنها در سطح استعمال لفظ، بلکه در بستر مشترک تشریح، نوع خطاب، مقتضای حال، شأن صدور و وضعیت معرفتی مخاطب جست‌وجو می‌کند و بر این باور است که معنای نهایی روایت در تعامل با این لایه‌های سیاقی شکل می‌گیرد.

او در اقتصادنا نیز همین معنا را بسط می‌دهد و یادآور می‌شود که «غرض المتکلم التشریحی یحکم علی الدلالة الظاهرة عند التعارض»<sup>۲</sup>. بنابراین، هر ظهوری که با غرض تشریحی ناسازگار باشد، صلاحیت دلالت خود را از دست می‌دهد. صدر در الأسس المنطقية للاستقراء نیز تأکید می‌کند که مدلول استعمالی و مدلول جدی الزاماً یکسان نیستند: «قَدْ يُسْتَعْمَلُ اللَّفْظُ فِي مَعْنَى، وَلَكِنْ قَدْ يُرَادُ مَعْنَى آخَرَ يُسْتَفَادُ مِنَ الْقَرَائِنِ الْقَطْعِيَّةِ»<sup>۳</sup>.

بر این اساس، سیاق گسترده ابزار اصلی عبور از لایه ظاهری به لایه مقصدی روایت است و بدون آن نمی‌توان مراد جدی معصوم را بازسازی کرد. سیاق، پلی است که مدلول لفظ را در شبکه تشریح معنا می‌کند و به همین دلیل، تأویل در نظریه صدر تنها زمانی مشروع است که با غرض تشریح و ساختار مقصدی دین هماهنگ باشد و بتواند مدلول استعمالی را در چارچوب غایت و هدف کلام معصوم بازسازی نماید.

### ۴. مبنای تنسیق باطنی نصوص

یکی از مبانی مهم در روش تأویلی شهید صدر، اصل «تنسیق باطنی نصوص» یا شبکه‌سازی میان روایات است. او در المدرسة القرآنية تأکید دارد که نصوص دینی «يُرجع بعضها إلى بعض، ولا يمكن تجزئة الموروث الروایی»<sup>۴</sup>؛ زیرا معنای نهایی روایت تنها در منظومه‌ای از روایات مرتبط و در کنار نصوص

۱. الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. اقتصادنا، ص ۵۷.

۳. الأسس المنطقية للاستقراء، ص ۹۴.

۴. المدرسة القرآنية، ص ۹۲.

هم‌افق روشن می‌شود. از نگاه صدر، روایت منفرد نمی‌تواند مراد جدی معصوم را به درستی نشان دهد، مگر آنکه در شبکه‌ای از نصوص مشابه و هم‌غرض قرار گیرد. این اصل، تأویل را از برداشت‌های منفرد و سلیقه‌ای دور کرده و آن را در چارچوب یک نظام دلالتی منسجم قرار می‌دهد. بنابراین تنسیق باطنی نصوص، پل ارتباطی میان ظاهرهای پراکنده و مقصد واحد شریعت است.

### ۵. مبانی مقاصد شریعت

مقاصد شریعت در اندیشه شهید صدر معیار نهایی برای تشخیص مراد جدی و عبور از مدلول استعمالی به مدلول مقصدی هستند. او تصریح می‌کند که معنای ظاهری همیشه مراد نهایی متکلم نیست و گاه قرائن قطعی، عقل یا هدف تشریح معنای دیگری را اقتضا می‌کند. صدر در الحلقة الثالثة می‌نویسد: «قد يكون مدلول اللفظ استعمالياً شيئاً، ولكن مدلوله الجدّي شيئاً آخر يحدّده العقل أو الغرض التشريعي».<sup>۱</sup> بر این اساس، اگر ظهور لفظی با عدالت الهی، کرامت انسان، حکمت تشریح یا جهت‌گیری تربیتی دین‌سازگار باشد، ظهور از حجیت می‌افتد و تأویل ضرورت می‌یابد. او در همین زمینه تأکید می‌کند که «لا يمكن قبول مدلول نصّ يخالف البرهان، فإن العقل يقدم في مواطن التعارض»<sup>۲</sup> و این جمله نشان می‌دهد که عقل قطعی و اهداف کلان شریعت، معیارهای اصلی در بازسازی مدلول نهایی حدیث هستند. بدین ترتیب، تأویل در نظریه صدر نه یک فرایند ذوقی، بلکه فعالیتی غایت‌محور است که تنها زمانی مشروعیت دارد که با روح تشریح و مقاصد دین‌سازگار باشد و مراد واقعی معصوم را آشکار سازد.

### ج. شواهد و نمونه‌های کاربردی تأویل در خوانش شهید صدر از روایات

در ادامه به نمونه‌های از کاربردهای تأویل در خوانش شهید صدر از روایات، پرداخته می‌شود:

#### نمونه اول: تبیین لطیف روایت «لا جبر ولا تفویض بل أمر بین الأمرین»

از جمله روایاتی که ظرفیت بالایی برای نشان‌دادن کاربست مبانی تأویل در اندیشه شهید محمدباقر صدر دارد، حدیث معروف امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «لا جبر ولا تفویض بل أمر بین الأمرین»

۱. الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۲۹.

الأمرین»<sup>۱</sup>.<sup>۲</sup> این روایت در نگاه نخست، جمله‌ای کوتاه و روشن به نظر می‌رسد؛ اما شهید صدر با تکیه بر اصول دلالی، عقل قطعی و شبکه نصوص، نشان می‌دهد که ظاهر روایت تنها لایه نخست معناست و بدون بازسازی عقلانی، فهم آن یا به جبر اشعری می‌انجامد یا به تفویض معتزلی.

صدر در تحلیل این روایت، نخست بر تثبیت مدلول استعمالی تأکید می‌کند و تصریح می‌نماید که هر ظهور لفظی تا زمانی حجت است که معارض قطعی نداشته باشد: «الظهور حجة ما لم تقم قرينة قطعية على خلافه». بر این اساس، معنای ابتدایی روایت - یعنی نفی جبر و تفویض - هنوز مراد نهایی نیست، بلکه نیازمند سنجش با عقل قطعی، سیاق آیات و دیگر روایات است.

وی سپس به اصل عقلانی علیت انسانی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که هر فهمی از روایت که به نفی اراده فاعلی انسان بینجامد، با حکم قطعی عقل ناسازگار است و در نتیجه، ظهور ابتدایی در این موارد صلاحیت خود را برای حمل بر مراد جدی از دست می‌دهد.<sup>۳</sup> بنابراین، مرحله تأویل زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر جایگاه ظهور را تثبیت کرده و سپس با قرینه قطعی نشان دهد که معنای اولیه نمی‌تواند مقصود معصوم باشد.

صدر در المدرسة القرآنية، سیاق قرآن را مهم‌ترین قرینه برای بازسازی معنای مقصودی این روایت می‌داند. او یادآور می‌شود که آیات قرآن از یکسو فاعلیت حقیقی خداوند را در نظام علی جهان تثبیت می‌کنند - «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»<sup>۴</sup> - و از سوی دیگر، اراده و اختیار انسان را مفروض می‌گیرند - «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۵</sup>. وی تأکید می‌کند که این دو دسته آیات تنها با تأویل روشمند روایت «أمر بین الأمرین» قابل جمع است و بدون تحلیل مقصدی، یا باید به جبر گرایید یا به تفویض.<sup>۶</sup>

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. التوحید، ص ۳۶۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۳.

۴. سوره انفال: ۱۷.

۵. سوره رعد: ۱۱.

۶. المدرسة القرآنية، ص ۸۸-۹۲.

پس از این مرحله، صدر برای استخراج مدلول جدی روایت، از اصل تنسیق باطنی نصوص بهره می‌برد و نشان می‌دهد که روایات متعددی در باب اراده، قضا و قدر، در منظومه‌ای واحد فهم می‌شوند. وی معتقد است حدیث «لا جبر ولا تفویض» در امتداد همان نظام معنایی قرار دارد که در روایات مربوط به طولیت علل نیز مشاهده می‌شود. او با تحلیل شبکه‌ای نشان می‌دهد که مدلول جدی روایت، اثبات «نظام طولی علیت» است؛ بدین معنا که خداوند علت‌العلل است و اراده انسان علتی در طول اراده الهی است، نه در عرض آن. این تحلیل نه تنها ظاهر روایت را نفی نمی‌کند، بلکه معنای عمیق‌تری را که مقصد شارع بوده است روشن می‌سازد.

نتیجه آنکه از نگاه صدر، «أمر بین الأمرین» نه حالت سوم میان جبر و تفویض، بلکه بیانی روایی از یک حقیقت فلسفی-کلامی است: جمع میان علیت الهی و فاعلیت انسانی در ساختاری طولی. این تأویل نه عدول از ظاهر، بلکه بازسازی عقلانی مدلول جدی است. روایت مزبور نمونه‌ای روشن از به‌کارگیری هم‌زمان اصول عقلانی، سیاق قرآنی و شبکه روایات برای گذر از مدلول استعمالی به مدلول مقصدی است؛ فرایندی که صدر آن را هسته مرکزی تأویل می‌داند.

### نمونه دوم: تبیین تأویلی روایت «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنَ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ»<sup>۳</sup>

از جمله روایاتی که ظرفیت بالایی برای نشان‌دادن نقش عقل قطعی و تنسیق نصوص در فرایند تأویل دارد، روایت مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است که می‌فرماید: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنَ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ». ظاهر ابتدایی روایت در نگاه نخست تصویری جسمانی از ذات الهی ارائه می‌دهد که با اصل تنزیه و ادله قطعی عقل ناسازگار است. از همین رو بسیاری از محدثان قدیم آن را در ردیف روایات متشابه قرار داده یا به مجاز و تشبیه حمل کرده‌اند. اما شهید محمدباقر صدر با تکیه بر اصول دلالتی، عقل قطعی و شبکه نصوص دینی، تبیینی متفاوت و روشمند عرضه می‌کند که دقیقاً همان فرایند انتقال از مدلول استعمالی به مدلول جدی است.

۱. الأسس المنطقية للاستقراء، ص ۲۴۴-۲۴۶.

۲. الصحيح، ج ۴، ص ۲۰۴۵.

۳. الكافي، ج ۲، ص ۴۲۱.

صدر نخستین گام را تثبیت مدلول استعمالی می‌داند و بر اصل مشهور «الظهور حجة ما لم تقم قرينة قطعية على خلافه» تأکید می‌کند.<sup>۱</sup> از نگاه او، پیش از هرگونه تأویل باید فهمید که لفظ «اصبغ» در عرف عرب چه معنایی دارد و مدلول عرفی آن چیست. این مرحله همان سطح تفسیر است، اما صدر بلافاصله توضیح می‌دهد که هیچ ظهوری که با دلیل قطعی عقلی - یعنی اصل تنزیه ذات الهی از جسمیت - در تعارض باشد، صلاحیت حمل بر مراد حقیقی را ندارد. بنابراین عقل قطعی نخستین قرینه‌ای است که ظهور ابتدایی را ساقط کرده و زمینه ورود به مرحله تأویل را فراهم می‌کند.<sup>۲</sup>

در گام بعدی، صدر برای بازسازی معنای جدی روایت، سیاق قرآن و سنت قطعی را به‌عنوان دایره گسترده‌تری از قرائن به‌کار می‌گیرد. او با استناد به آیاتی مانند «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»<sup>۳</sup> تأکید می‌کند که متن وحی هیچ امکان منطقی برای نسبت‌دادن اعضا و جوارح به خداوند باقی نمی‌گذارد. بنابراین «اصبغ» در این روایت نمی‌تواند بر معنای جسمانی باقی بماند. در این مرحله صدر از اصل تسبیح باطنی نصوص بهره می‌گیرد و روایات متعدد درباره حالات قلب و قبض و بسط ایمان را در شبکه‌ای واحد استقرار می‌دهد. او نشان می‌دهد که موضوع روایت نه جسمانیت خدا، بلکه سرشت متغیر قلب و وابستگی آن به هدایت الهی است. این تحلیل در المدرسة القرآنية نیز دیده می‌شود.<sup>۴</sup>

پس از تحلیل عقلانی و سیاقی، صدر وارد مرحله تأویل مقصدی می‌شود. به نظر او، «اصبغ» در این روایت تعبیری کنایی از شدت تدبیر و سرعت دگرگونی قلب است؛ یعنی قلب مؤمن در معرض الهامات، آزمون‌ها و قبض و بسط‌های پی‌درپی قرار دارد و این فرایند با تعبیر ادبی «بین اصبعین» نشان داده شده است. این تبیین نه مجازگویی است و نه تأویل سلیقه‌ای، بلکه بر اساس قرائن قطعی عقلی و نقلی بازسازی شده و خود مدلول جدی روایت محسوب می‌شود.<sup>۵</sup>

صدر این تحلیل را در پرتو اصل مقاصد شریعت توضیح می‌دهد و یادآور می‌شود که هدف روایت،

۱. دروس فی علم الاصول، الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۲۹ تا ۲۳۳.

۲. همان، ص ۲۳۰ تا ۲۳۱.

۳. سوره شوری: ۱۱.

۴. سوره اخلاص: ۲.

۵. المدرسة القرآنية، ص ۸۸ تا ۹۲.

۶. الاسس المنطقية للاستقراء، ص ۲۴۶.

بیان وابستگی قلب مؤمن به هدایت الهی و ضرورت مراقبت مستمر ایمانی است، نه ارائه تصویری جسمانی از خدا. بنابراین تأویل در اینجا نه نفی ظاهر، بلکه کشف غرض تربیتی و مقصدی حدیث است. در نتیجه، روایت «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ» نمونه‌ای روشن از جایگاهی است که در آن مدلول استعمالی به دلیل تعارض با دلیل قطعی کنار می‌رود و پژوهشگر با تکیه بر عقل، سیاق و شبکه نصوص، معنای مقصدی را استخراج می‌کند. این روش همان هسته مرکزی تأویل در نظریه صدر است، یعنی انتقال روشمند از ظاهر لفظ به حقیقت مراد، بدون افتادن در ورطه تشبیه یا تأویل ذوقی.

#### د. مبانی نقلی در فرایند انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی در نظریه شهید صدر

در این بخش، زیرساخت‌های نقلی‌ای تبیین می‌شود که نقش قطعی در گذار از مدلول استعمالی به مدلول مقصدی دارند.

##### ۱. انسجام قرآن و سنت در نظام تشریح

در نظریه شهید صدر، مبانی نقلی اساساً به معنای پذیرش یک نظام تشریح منسجم است که در آن قرآن و سنت دو ضلع یک شبکه واحد دلالتی‌اند. صدر در المدرسة القرآنیة توضیح می‌دهد که هیچ نصی به صورت منفرد قابل فهم نیست و روایت تنها در پیوند با مجموعه نصوص هم‌افق معنا می‌یابد.<sup>۱</sup> از نگاه او، سنت معصومان امتداد تبیینی قرآن و بخشی از هندسه تشریح است و میان این دو نه تضاد، بلکه هم‌پوشانی ساختاری وجود دارد. این انسجام سبب می‌شود که معنا در روایت نه در سطح لفظ، بلکه در امتداد نظام تشریح شکل گیرد و همین امر زمینه را برای انتقال طبیعی از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی فراهم می‌سازد. نقطه قوت نگاه صدر در اینجا است که چندلایگی معنا را نه به باطن‌گرایی عرفانی، بلکه به موقعیت روایت در شبکه تشریح نسبت می‌دهد و با این کار از تفسیرهای ذوقی فاصله می‌گیرد.

##### ۲. دشواری فهم حدیث از منظر شبکه‌گرایی صدری

صدر دشواری فهم روایات را ناشی از چندلایگی درونی معرفت دینی نمی‌داند، بلکه ریشه آن را در درهم‌تنیدگی غرض تشریحی، سیاق صدور و ارتباط روایت با نصوص دیگر می‌بیند. او تصریح دارد که مدلول استعمالی و مدلول جدی الزاماً منطبق نیستند و تنها قرآن قطعی می‌توانند مفسر را از معنای نخست

۱. المدرسة القرآنیة، ص ۸۸.

به معنای مقصدی هدایت کنند.<sup>۱</sup> بنابراین صعوبت حدیث از نگاه صدر، ناشی از پیچیدگی شبکه تشریح است، نه وجود بطون عرفانی یا اسرار باطنی. نقد اساسی او بر رویکردهای باطن‌گرایانه نیز همین است که این روش‌ها لایه دوم معنا را بدون دلیل اصولی و نقلی معتبر از ظاهر جدا می‌کنند؛ در حالی که صدر صراحتاً تأکید می‌کند که تعیین مدلول جدی تنها با ارزیابی غرض تشریحی و سازگاری روایت با ساختار کلان دین ممکن است.

### ۳. پیوند ظهور ابتدایی و ظهور نهایی

صدر در الحلقة الثالثة بیان می‌کند که ظهور لفظی تا زمانی حجت است که قرینه قطعی بر خلاف آن نباشد.<sup>۲</sup> این گزاره نشان می‌دهد که انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی یک فرایند اصولی است و نه امری ذوقی یا پیشینی. صدر با این تعبیر راه هرگونه تفسیر بی‌ضابطه را می‌بندد و نشان می‌دهد که تأویل در نظریه او تنها زمانی رخ می‌دهد که عقل قطعی، شبکه روایات، یا غرض تشریحی ظهور را از کار بیندازند. به بیان دیگر، تأویل در نگاه صدر یک امکان دائمی نیست، بلکه مرحله‌ای استثنایی است که پس از طی شدن همه مسیرهای اثبات حجیت ظهور رخ می‌دهد.

نقطه قوت این رویکرد آن است که دقت اصولی را مبنای فهم حدیث قرار می‌دهد و از هرگونه پرش معنایی جلوگیری می‌کند؛ اما نقطه نقد آن این است که صدر کمتر به موارد عملی تحلیل ظهور پرداخته و در برخی موارد تبیین نمی‌کند که دایره قرائن قطعی دقیقاً چگونه تعیین می‌شود.

### ۴. جایگاه روایت در منظومه نصوص و نقش آن در تثبیت معنای نهایی

در نظریه صدر، روایت یک واحد مستقل زبانی نیست، بلکه جزئی از مجموعه نصوص هم‌موضوع است. او در المدرسة القرآنية توضیح می‌دهد که نصوص باید در کنار هم فهم شوند و تجزیه میراث روایی موجب گسست دلالت می‌شود.<sup>۳</sup> بر اساس این دیدگاه، روایت تنها زمانی مراد جدی را آشکار می‌کند که در کنار روایات هم‌غرض قرار گیرد.

نقطه قوت این مبنا، ارائه یک نظریه شبکه‌ای در فهم حدیث است که امکان رفع تعارض‌ها و تفسیرهای گسسته را فراهم می‌کند. اما نقدی که می‌توان مطرح کرد آن است که صدر در عمل کمتر نمونه‌های گسترده

۱. الأسس المنطقية للاستقراء، ص ۹۴.

۲. الحلقة الثالثة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. المدرسة القرآنية، ص ۹۲.

برای کاربری این روش در روایات ارائه داده و همین امر موجب شده است که بازسازی دقیق روش او نیازمند استخراج پراکنده از آثار اصولی و تفسیری اش باشد. با این حال، مبنای یادشده ستون اصلی انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی در دستگاه صدر است، زیرا مدلول مقصدی تنها در چارچوب شبکه نصوص تثبیت می‌شود، نه در انزوای لفظ یا روایت منفرد.

### ۵. الگوی عملی شهید صدر در کاربری تأویل

الگوی عملی شهید صدر در انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی در حدیث، پنج مرحله دارد:

#### ۵/۱. تثبیت مدلول استعمالی

فرایند فهم حدیث نزد شهید صدر همواره از تثبیت مدلول استعمالی آغاز می‌شود. او هیچ‌گاه کار را با تأویل یا عبور از ظاهر شروع نمی‌کند و بر این نکته پای می‌فشارد که ظهور، حجت اولیه است و تا زمانی که دلیل قطعی بر خلاف آن اقامه نشده، مفسر حق عدول از ظاهر را ندارد. صدر به صراحت می‌نویسد: «الظهور حجة ما لم تقم قرينة قطعية على خلافه»<sup>۱</sup>. بدین معنا، مرحله نخست فرایند، تثبیت دلالت لفظ در چارچوب قواعد محاوره و سنجش آن در سطح استعمالی است. این مرحله نقطه صفر فرایند فهم روایت است و مانع می‌شود که مفسر دچار تأویل پیشگی یا ذوق‌گرایی شود.

#### ۵/۲. سنجش کارآمدی ظهور در هندسه تشریح

پس از آنکه مدلول استعمالی تثبیت شد، صدر ظاهر روایت را در چارچوب «طرح کلان تشریح» ارزیابی می‌کند. در این مرحله، ظاهر روایت به‌طور منفرد تحلیل نمی‌شود، بلکه در نسبت با غرض تشریحی، حکمت حکم و جایگاه آن در نقشه عمومی شریعت سنجیده می‌شود. صدر در اقتصادنا می‌نویسد: «غرض المتكلم التشریحی يحكم على الدلالة الظاهرة عند التعارض»<sup>۲</sup>. معنای این اصل آن است که کارآمدی ظاهر در ساختار تشریح شرط استمرار آن است؛ اگر ظاهر با غرض شارع سازگار باشد، حفظ می‌شود و اگر با روح تشریح هماهنگ نباشد، نیازمند بازنگری است. این مرحله، نه تأویل است و نه کنارزدن ظاهر؛ بلکه ارزیابی عقلانی و تشریحی ظهور به‌منزله یک دلالت مقدماتی است.

۱. الحلقه الثالثة، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. اقتصادنا، ص ۵۷.

### ۳/۵. ادغام روایت در شبکه نصوص هم‌افق

اگر ظاهر روایت در ارزیابی تشریحی ناکارآمد باشد، صدر آن را در میان «شبهه نصوص هم‌موضوع» قرار می‌دهد. این شبکه‌سازی بر این اصل استوار است که هیچ حدیثی به صورت منفرد معنا نمی‌شود و فهم آن تنها در نسبت با نصوصی از همان باب و مضمون امکان‌پذیر است. صدر در المدرسة القرآنیة می‌گوید: «لا يمكن فهم النص إلا من خلال شبكة النصوص».<sup>۱</sup> در این مرحله، روایت از وضعیت تک‌افتاده خارج می‌شود و در دستگاه روایی و معنایی بزرگ‌تری قرار می‌گیرد. تنسيق میان نصوص، تعارض‌های احتمالی را رفع می‌کند و معنای مستقر و هماهنگ با مجموعه سنت را تقویت می‌نماید. این مرحله هنوز تأویل نیست؛ بلکه سامان‌دهی روایت در منظومه نصوص برای آماده‌سازی انتقال به مدلول مقصدی است.

پس از آنکه روایت در شبکه نصوص قرار گرفت، صدر با تحلیل «سیاق تشریحی» به بازسازی لایه مقصدی معنا می‌پردازد. سیاق در نظر او فقط شرایط نحوی یا واژگانی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عناصر معرفتی و تشریحی مانند شأن صدور، نوع مخاطب، مقتضای حال، هدف حکم و بافت معرفتی جامعه است. او تأکید می‌کند: «النص الديني ليس مجرد استعمال لغوي، بل يحمل شبكة من الدلالات ترتبط بالسياق التشريعي و غرض المتكلم».<sup>۲</sup> در این مرحله، مدلول استعمالی در پرتو سیاق گسترده بازخوانی می‌شود و معنایی که با هدف تشریح، شرایط صدور و نوع خطاب سازگارتر است، به عنوان مدلول مقصدی آشکار می‌گردد. بدین ترتیب، تحلیل سیاق حلقه واسط میان ظاهر و حقیقت مراد معصوم است.

### ۴/۵. تعیین مدلول نهایی بر اساس عقل قطعی و مقاصد شریعت

آخرین مرحله در الگوی عملی صدر، تعیین مدلول نهایی روایت است. اگر حتی پس از شبکه‌سازی نصوص و تحلیل سیاق، ظاهر روایت همچنان با عدالت، حکمت تشریح یا برهان قطعی ناسازگار باشد، صدر مدلول جدی را با رجوع به عقل قطعی و غرض تشریحی بازسازی می‌کند. او می‌نویسد: «قد يكون مدلول اللفظ استعمالياً شيئاً، ولكن مدلوله الجدّي شيئاً آخر يحدّده العقل أو الغرض التشريعي».<sup>۳</sup> همچنین تصریح دارد: «لا يمكن قبول مدلول نصّ يخالف البرهان، فإن العقل يقدم في مواطن التعارض».<sup>۴</sup> این

۱. المدرسة القرآنیة، ص ۸۸.

۲. الحلقه الثالثه، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳. همان، ص ۲۳۰.

۴. همان، ص ۲۲۹.

مرحله، نقطه تحقق تأویل مشروع است؛ نه به عنوان یک شیوه عمومی، بلکه به عنوان آخرین مرحله پس از عبور از چهار گام پیشین. بدین سان، تأویل در نظریه صدر یک فعالیت هدفمند و غایت‌محور است که معنا را تنها در صورت هماهنگی با مقاصد شریعت معتبر می‌داند.

### نتیجه‌گیری

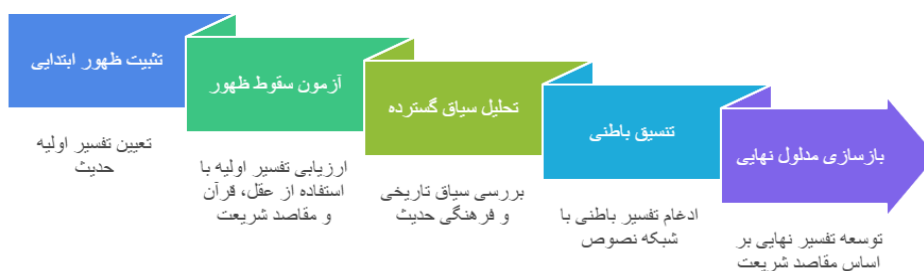
تحلیل مبانی دلالتی و معرفتی شهید صدر نشان می‌دهد که تأویل در دستگاه فکری او روشی علمی، ضابطه‌مند و مبتنی بر عقلانیت است که فرایند انتقال از مدلول استعمالی به مدلول جدی را تسهیل می‌کند. صدر تأکید دارد که ظهور لفظ تا زمانی حجت است که با عقل قطعی، قرآن یا مقاصد شریعت ناسازگار نباشد؛ هرگاه این ظهور سقوط کند، تأویل ضروری می‌شود و در این مرحله مفسر موظف است با بهره‌گیری از سیاق گسترده و شبکه نصوص، معنای مقصدی را بازسازی کند. این رویکرد تأویلی، چندلایگی معنا را نه به عنوان یک پدیده عرفانی، بلکه به عنوان لازمه ساختار تشریحی دین معرفی می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که اصولی مانند عقل قطعی، تنسیق باطنی نصوص، سیاق تشریحی و مبنای مقصدگرایی ستون‌های اصلی تأویل در نظریه صدر را تشکیل می‌دهند. نمونه‌های کاربردی نیز به وضوح نشان دادند که صدر تأویل را تنها در صورتی به کار می‌گیرد که ظهور لفظی سقوط کند و در این صورت، معنای نهایی از طریق هماهنگی میان عقل و نقل استخراج می‌شود.

در نهایت، تأویل در اندیشه صدر نه کنار گذاشتن ظاهر و نه تفسیر به رأی است، بلکه بخش ضروری از فرایند اجتهاد به‌شمار می‌رود که برای دستیابی به مراد واقعی معصوم و فهم عمیق‌تر و مقصودی از روایات به کار می‌رود. این الگو راهی میان ظاهرگرایی و ذوق‌گرایی می‌گشاید و چارچوبی عقلانی برای فهم روایات ارائه می‌دهد؛ چارچوبی که می‌تواند مبنای توسعه پژوهش‌های فقه‌الحدیثی در آینده باشد و به‌طور خاص در جهت‌گیری‌های جدید در تحلیل متون دینی راهگشا قرار گیرد.

## الگوی عملی شهید صدر در انتقال از ظهور ابتدایی به ظهور نهایی در حدیث

فرایند عملی شهید صدر در تأویل حدیث



Made with Napkin

این الگو نشان می‌دهد که تأویل نزد صدر نه خروج از ظاهر، بلکه عبور روشمند از «مدلول استعمالی» به «مدلول جدی» است.

## منابع و مآخذ

۱. الاستطاق الثانوي للنصوص عند الشهيد الصدر وأثره في التأويل، خياط، حسن، بيروت: مجلة الاجتهاد والتجديد، ش ۶۸، ۲۰۲۳م / ۱۴۴۵ق.
۲. الأسس المنطقية للاستقراء، صدر، محمداقبر، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
۳. الأسفار العقلية الأربعة (الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة)، صدرالدين شیرازی، محمد بن ابراهيم، تهران: بنياد حکمت اسلامي صدر، ج ۳، ۱۳۸۲ش.
۴. اقتصادنا، صدر، محمداقبر، قم: مؤسسه دارالکتاب الإسلامي، ۱۴۰۰ق / ۱۹۶۱م.
۵. بحار الأنوار، مجلسي، محمداقبر، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۶. بصائر الدرجات، صفار قمی، محمد بن حسن، قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
۷. تأویل در نظريه فقه الحديثي آيت الله جوادى آملی، نوراني، محسن؛ ناجی صدر، طاهره، فصلنامه مطالعات فقه الحديث، ش ۲، ۱۴۰۳ش.
۸. تسنيم (تفسير قرآن كريم)، جوادى آملی، عبدالله، قم: مركز نشر اسراء، متعدد الأجزاء، از ۱۴۳۱ق.
۹. تقريرات درس خارج اصول الشهيد الصدر (ج ۵: دلالات الألفاظ والتأويل)، حكيم، سيد منذر، قم: دارالصدر، ۱۴۰۳ق.
۱۰. التوحيد، صدوق، محمد بن على، قم: جماعة المدرسين، ۱۴۱۰ق.
۱۱. الجديد في علمي الدراية والرجال عند الشهيد الصدر، العميدى، ثامر هاشم حبيب، ترجمه: عليرضا كاوند، دوفصلنامه حديث اندیشه، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش.
۱۲. حجيت خبر واحد از منظر آخوند خراساني و شهيد صدر، اسدى مقدم، ليلى، پايان نامه سطح سه، قم: جامعة المصطفى العالمية، ۱۴۰۱ش.
۱۳. دروس في علم الأصول (الحلقة الثالثة)، صدر، محمداقبر، قم: مركز الأديان و الدراسات / دارالمعارف الإسلامية، ج ۱-۳، ۱۳۴۰ش.
۱۴. شرح دعای ابوحمزه ثمالی، جوادى آملی، عبدالله، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۹ش.
۱۵. شهيد صدر و نظريه تفسير متن، واعظی، احمد، قم: وبگاه پژوهشگاه شهيد صدر، بی تا.

۱۶. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج النیشابوری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۱۷. عیون اخبار الرضا، صدوق، محمد بن علی، قم: جماعة المدرسين، متعدد الأجزاء.
۱۸. فرائد الأصول، انصاری، مرتضی بن محمد، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ج ۱-۲، ۱۴۱۵ق.
۱۹. فلسفتنا، صدر، محمداقبر، بیروت: دارالتعارف، ۱۹۶۱م.
۲۰. قراءة في قضية التأويل عند الشهيد الصدر، عباس، مرتضی، بغداد: مجلة كلية الجامعة الإسلامية، ج ۱، ع ۲۶، ۲۰۱۴م.
۲۱. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، تهران: دارالكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۲. مباني دلالي حديث در بحوث في علم الأصول شهيد صدر، رضوي، سيد علي، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۴۰۲ش.
۲۳. مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسي، فضل بن حسن، تهران: نشر ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۴. المدرسة القرآنية، صدر، محمداقبر، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۷۱م.
۲۵. مصباح الأصول، خويي، ابوالقاسم، قم: مؤسسه إحياء آثار آيت الله خويي، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۲۶. منازل السائرين إلى الله (أدب فنای مقربان)، جوادی آملی، عبدالله، قم: انتشارات إسرائ، ۱۳۸۹ش.
۲۷. منطقة الفراغ صدر و بطن معرفت؛ پاسخ به شبهات مستشرقان، محمدي فر، عليرضا، تهران: خبرگزاری ایکننا، ۱۳۹۵ش.
۲۸. منطقة الفراغ وجواز التأويل في النصوص الحديثية من منظر الشهيد الصدر، كرامتي نيا، علي، فصلنامه فقه اهل البيت(ع)، ش ۷۲، زمستان ۱۴۰۱ش.
۲۹. ميزان الحكمة، ري شهري، محمد، قم: دارالحديث، ۱۴۲۰ق.
۳۰. الميزان في تفسير القرآن، طباطبائي، محمدحسين، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۳۱. نظريه روح معنا در تفسير قرآن، سجع پور، محمد، تهران: انتشارات علمي و فرهنگي، بی تا.

۳۲. نقش تأویل در استنباط الأحكام الحديثية در مكتب الشهيد الصدر، سروش محلاتی، محمد، فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ش ۴۲، ۱۴۰۲ ش.
۳۳. نهج البلاغه، شریف رضی، محمد بن حسین، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۳۴. وسائل الشیعة، حر عاملی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ ق.

